

بیرید تشنه حنجرم

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام

بزنید روی فی سرم

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام

برگردان:

تیر و خنجر بیایید ، شمر و خولی کجایید

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام

این من و این خون قلبم

نیزه ی قاتل کجایی

گاه شیرینِ وصالم

آرزوی دل کجایی

شهیدِ راهِ حیدرم

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام

وعده دارم تا در اینجا

هر چه سر دارم بریزم

آخرین خنجر بیا تا

آخرین سر هم بریزم

رسیده بوی مادرم

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام

مرده است آن دل که یا رب

مستِ رخسارت نباشد

دل نباشد آنچه در آن

شوقِ دیدارت نباشد

بسوی تو مسافرَم

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام

هر بلا از کربلا را

هر غمِ بر ما رسیده

چشمِ زیبابینِ زینب

غیر زیبایی ندیده

قسم به جانِ خواهرم

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام

می شود کم کم برایم

گودیِ مقتل نمایان

روزگارِ تلخِ هجران

می گذارد رو به پایان

تویی خدا برابرم

سالهاست منتظر این روز و لحظه ام
